

عوامل موثر در طراحی مجتمع مسکونی جهت ارتقاء امنیت اجتماعی ساکنین (مورد: شهر گنبد کاووس)

محمد میرزاعلی^۱، محمد کریمی^۲، میلاد وفادار نصراله زاده^۳

^۱ گروه معماری، واحد گنبد کاووس، دانشگاه آزاد اسلامی، گنبد کاووس، ایران.

^۲ کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

محمد میرزاعلی

چکیده

طی سالیان اخیر، به دلیل رشد شتابان شهرنشینی در جهان و به تبع آن در ایران، الگوی تولید مسکن تغییر یافته و لزوم ایجاد انبوه‌سازی مسکن، موجب کاهش کیفیت و مطلوبیت در طراحی‌های معماری آن شده است. طراحی‌های مجتمع‌های مسکونی امروزی، به دلیل عدم توجه به نیازهای انسانی و عدم در نظر گرفتن پیامدهای روان‌شناختی آن، زندگی فردی و اجتماعی ساکنین را با مشکلاتی مواجه ساخته است. به طوری که، از جمله نیازهای مهم فراموش شده انسان در این طراحی‌ها، تعاملات اجتماعی است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و به لحاظ متدلوژی از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی مبتنی بر یافته‌های پیمایشی است که در آن پنج گروه مجتمع‌های مسکونی در شهر گنبد کاووس از طریق روش احتمالی-چند مرحله‌ای انتخاب گردیده است. بدین صورت که بر اساس نقشه شهری و چیدمان واحدهای مسکونی، محلات این شهر علامت گذاری شده و سپس در مرحله بعدی گروه مساکن از میان محله‌ها به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی عمدتاً به صورت استقرایی و با توجه به ویژگی‌های جزئی می‌باشد و پس از هر مرحله از انجام تحقیق، نتیجه‌گیری همان مرحله با تاکید بر معنایی که افراد در ذهن دارند، انجام می‌شود. همچنین بسته به شرایط پروژه از روش‌ها و آزمون‌های تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS پرداخته و تجزیه و تحلیل شده است. این تحقیق با تبیین ابعاد مختلف اهمیت روابط اجتماعی میان انسان‌ها، به بررسی نقش فضای باز در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین مجتمع‌های مسکونی پرداخته و نظرات مالکین واحدهای ساختمانی چند مجتمع مسکونی در گنبد کاووس بررسی شده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین مولفه‌های تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان، وجود عناصر طبیعی ساختمان و نیز فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان با متغیر امنیت رابطه معناداری وجود دارد. بدینسان می‌توان بیان نمود که توجه به عناصر کالبدی یاد شده و به کارگیری الگوهای طراحی جهت ایجاد شرایط امن، جذاب و راحت برای حضور خانواده‌ها در فضاهای مجتمع مسکونی، تأثیر بسزایی در افزایش تعاملات اجتماعی همسایگان خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مجتمع مسکونی، عناصر کالبدی، تعاملات اجتماعی، امنیت، شهر گنبد کاووس.

مقدمه

از ابتدای تاریخ، مسکن به عنوان سرپناه نقش مهمی در زندگی جوامع انسانی بازی کرده است که با پیشرفت جوامع و در روند تکمیلی کارکرد مسکن، عملکردهای دیگری نظیر زندگی اجتماعی، روابط خانوادگی، محلی جهت آسایش روح و روان و تمديد قوا و... به آن افزوده گردید. در دوره معاصر و در دنیای غرب، پس از جنگ جهانی دوم که با تخریب بی شمار واحدهای مسکونی همراه شد، نیاز به مسکن برای جمعیت زیاد بی خانمان باعث شد که دولت‌ها به ساخت مجتمع‌های مسکونی روی آورند که بیش از هر چیز، مساله کمیت و پاسخ‌گویی به تعداد بیشتر، در آن مطرح بود [1]. این مساله، در ایران به شکلی دیگر، در حال وقوع است که نشانه‌های آن به وضوح دیده می‌شود. رشد فزاینده جمعیت در سال‌های پس از انقلاب، موجب ایجاد قشر جوان جمعیتی گردیده که از تبعات این رشد فزاینده جمعیت، نیاز به مسکن فراوان بوده است [2]. اگر چه نرخ رشد جمعیت از ۲/۵ درصد به ۱/۲ رسیده است، اما تحقیقات نشان می‌دهد که اجرای طرح کنترل جمعیت در کشور هنوز پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی و بهداشتی در این زمینه نیست و به دلیل اهمیت موضوع و با توجه به جوان بودن جمعیت، تاکنون کارشناسان بارها در ارتباط با انفجار جمعیت ایران در ده ۸۰ هشدار داده‌اند. چنان‌که صندوق جمعیت سازمان ملل متحد پیش‌بینی می‌کند که جمعیت ایران طی کمتر از نیم قرن آینده از مرز ۱۲۱ میلیون نفر خواهد گذشت. آمار دقیق پیش‌بینی شده این صندوق جمعیت ایران در سال ۲۰۵۰ میلادی را ۱۲۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر اعلام می‌نماید که از جمعیت آلمان، ژاپن و حتی روسیه در زمان مشابه سبقت خواهد گرفت [16]. این موضع باعث شده است که به نوعی تجربه پس از جنگ جهانی دوم، در ایران در حال تکرار باشد؛ یعنی ساخت مجتمع‌های مسکونی فاقد کیفیت و فقط دارای کمیت. در این راستا، شناخت عوامل موثر در بهبود کیفیتی مسکن، یکی از مسائلی است که باید به آن پرداخته شود، چرا که تاثیرات آن به‌طور غیرقابل انکاری در روحیه افراد و نیز روحیه عمومی جامعه، متجلی می‌گردد [3]. مسئله مهم و رویکرد این پژوهش آن است که در طراحی مناطق مسکونی در ایران به مسئله امنیت توجه کافی نمی‌شود. نتیجه این بی‌توجهی بوجود آمدن مناطقی بی‌هویت است که در ساکنین حس مکان ایجاد نکرده و احساس تعلق آنها را نسبت به محله خود بر نمی‌انگیزد. ساکنین این محلات احساس مالکیت به محیط زندگی خود نداشته و کنترل و حفاظت از آن را وظیفه خود نمی‌دانند. در نتیجه هنگام وقوع جرم، هیچ یک از آنها عکس‌العمل نشان نمی‌دهند و کم امنی و ناامنی بر آن مکان حاکم می‌شود. فقدان این حس تعلق، موجب کاهش همبستگی اجتماعی و عدم وجود نظارت عمومی، فضاهای شهری را به فضاهای گمشده، طراحی نشده و جدامانده از سیل فعالیت عابران در شهر تبدیل کرده و به تبع آن زمینه ارتکاب جرایم گوناگون را به وجود آورده است. وجود این مسائل طراحان و برنامه‌ریزان و نیز نگارندگان این پژوهش را بر آن داشت تا به ارائه راه حل‌هایی در جهت رفع این مشکلات و اعتلای کیفیت فضاهای شهری، به ویژه در شهر گنبد کاووس بپردازند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با شناخت مولفه‌های سازنده کیفیت فضاهای شهری از یک سو، و نیز بررسی و تحلیل مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه بهبود مولفه‌های اجتماعی و امنیتی در این فضاها از سوی دیگر، به راهکارهای عملی برای ارتقا مطلوبیت واحدهای مسکونی دست یابد.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، آنچه که به‌عنوان هدف اصلی می‌توان بیان نمود، عبارت است از: «ارتقا مطلوبیت واحدهای مسکونی، در قالب مجتمع مسکونی با تاکید بر مولفه امنیتی برای ایجاد فضاهایی سرزنده و پویا که فرصت‌هایی را برای برقراری روابط اجتماعی در عین تأمین امنیت فراهم می‌آورند». انسان‌ها به صورت ذاتی موجودی اجتماعی هستند و به همین دلیل به قانون یا فضایی امن برای تعاملات اجتماعی نیاز دارند. به کمک طراحی محیط کالبدی و با در نظر گرفتن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و عاطفی مردم می‌توان موقعیت‌های ارتکاب جرم را کاهش داد. با کاهش اعمال مجرمانه و تأمین امنیت محیط، تمایل ساکنان به حضور در فضا افزایش یافته و عرصه عمومی بستری می‌گردد که روابط اجتماعی در آن به سهولت برقرار شده و نظارت طبیعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تأمین کننده امنیت فضاهای شهری، تحقق می‌یابد. از این رو، فرضیه اصلی این تحقیق آن است که: «به نظر می‌رسد میان تعاملات اجتماعی در یک فضا (همانند مجتمع مسکونی) با برقراری امنیت در آن (و ساکنین مجتمع) تأثیر متقابلی وجود دارد». در میان نگاه اصلی تحقیق به عناصر کالبدی ساختمان می‌باشد، به طوری که با توجه به هدف و فرضیه، سوالات تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

آیا بین وجود تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و متغیر امنیت رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین وجود عناصر طبیعی ساختمان و متغیر امنیت رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و متغیر امنیت رابطه‌ای وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

در طبقه بندی نیازها که توسط مازلو و به ترتیب اهمیت آنها صورت گرفته است، نیاز به امنیت در رده دوم نیازها و نیاز به روابط اجتماعی و تعلق در رده سوم قرار دارد. از دیدگاه "جان لنگ" نیز محیط ساخته شده اگر به گونه‌ای در خور شکل بگیرد، می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای انسان مانند بقا و امنیت را به‌عنوان نیازهای انگیزشی و پس از آن نیاز به برقراری روابط اجتماعی و رده‌های بالاتر این سلسله مراتب را برآورده سازد [5]. یکی از اهداف مهم طراحی شهری ارتقای کیفیت محیط انسان ساخت و توجه به تعامل میان انسان و محیط است. انسان

به صورت غریزی نیازمند به برقراری روابط اجتماعی با هم‌نوعان خود می‌باشد و با حضور دیگران در اطراف خود احساس آرامش می‌کند، این روابط اجتماعی در بستر فضاهای شهری شکل می‌گیرند. هنگامی که انسان‌ها افرادی مانند خود را در یک فضا می‌بینند به سمت آنها جذب می‌شوند، بالاتر و بیشتر از هر گونه جذابیت‌های فیزیکی و محیطی که یک مکان خواهد داشت. در همین زمینه «سوزان و هنری لنارد» بیان می‌کنند: «انسان‌ها به تماس با یکدیگر نیاز دارند و به آن وابسته هستند، بدیهی است که حضور داشتن انسان‌های دیگر باعث اطمینان قلب است». فضای شهری بدون حضور فعال مردم و جدا از عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و استفاده‌های محسوس خود فاقد معنا خواهند بود. بهترین محیط‌های شهری، امکان حضور مردم در کنار یکدیگر را در عین احساس امنیت و اطمینان خاطر برای شهروندان فراهم می‌کنند. توانایی‌های اجتماعی این فضاها، امکان ارتباط طیف وسیعی از مردم را با محیط ممنوع فراهم آورده و آن را تسهیل می‌کند [6]. تعاملات اجتماعی برای کسانی که در یک جمع زندگی می‌کنند، شناخت دیگر ساکنان و ساختار اجتماعی آن جمع را میسر می‌سازد. این امر سبب ایجاد اعتماد میان ساکنین شده و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مشترک را به وجود می‌آورد [7]. بدینسان، تعاملات اجتماعی در محله و واحدهای همسایگی، به گسترش و تقویت ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کند که به نوبه خود آثار سودمند اجتماعی و اقتصادی فراوانی از جمله کاهش آمار جرم را در بردارد [8]. از این رو، طراحی بافت‌های مسکونی جدید با تأکید بر تعاملات اجتماعی اهمیت فراوانی دارد [9]. برای تشویق مردم به تعامل اجتماعی، می‌بایست بیشترین استفاده ممکن از طراحی صورت پذیرد [10]. تحقیقات بسیاری درباره رابطه میان طراحی و عوامل فردی و اجتماعی و نیز تأثیری که بر رفتار ساکنان می‌گذارند، اشاره شده است. در اجتماعی که ساکنان آن مجال برقراری ارتباط با هم را داشته باشند، در مجاورت دیگران زندگی کنند و دارای فضای مناسبی برای تعامل باشند، روابط اجتماعی افزایش می‌یابد [11]. مجاورت (فیزیکی و عملکردی) نقش مهمی در بهبود تعامل اجتماعی دارد و افزایش آن از طریق راهکارهای طراحی، موجب افزایش روابط انفعالی میان ساکنان شده و به شکل‌گیری روابط اجتماعی کمک می‌کند [12]. دلیل دیگر برای اینکه چرا افراد، افراد دیگر را جذب می‌کنند، نیاز به جمع شدن در کنار یکدیگر برای رسیدن به امنیت است. افراد تمایل دارند که در فضاهایی جمع شوند یا از خیابان‌هایی استفاده کنند که افراد دیگر نیز در آنها وجود داشته باشند [13]. فرصت‌هایی که درون اجتماع برای نظارت پدید می‌آید، ابزاری برای دستیابی به سطوح بالاتر تعامل اجتماعی است. محیط اطراف پایه ارتباطات و شناخت دلبستگی‌های مشترک میان ساکنان است [14]. دیدن و شنیدن گفتگوی دیگر همسایگان در هنگام استفاده از فضای عمومی، تأثیر فراوانی در اجتماعی شدن ساکنان گذاشته و به آنها این امکان را می‌دهد تا به مشاهده کسانی بپردازند که تمایل به برقراری رابطه اجتماعی با ایشان دارند. بنابراین فراهم کردن نظارت از طریق ساختار اجتماع و طراحی ساختمان‌ها در قالب مجتمع مسکونی، در ایجاد تعامل اجتماعی اهمیت زیادی دارد. از این رو، ترکیب صحیحی از طراحی مناسب، مدیریت کارآمد و تعاملات اجتماعی، تأثیر زیادی در خلق فضاهای امن و به تبع آن کاهش میزان جرم و خشونت خواهد داشت. یکی از مؤثرترین ابزارهای امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرایم، خلق فضاهای شهری سرزنده و عرصه‌های عمومی است که به آسانی قابل کنترل و نظارت باشند.

پیشینه تحقیق

در بررسی سوابق و پیشینه مطالعات مربوط به طراحی مجتمع‌های مسکونی با رویکردها و اهداف مختلف متاسفانه تعداد محدودی را سراغ داریم که در اینجا به برخی از این تحقیقات اشاره می‌گردد؛

صمدی فرد (۱۳۹۲)؛ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "طراحی مجتمع مسکونی در شهر یاسوج با تأکید بر تأثیر ارتقاء تعامل اجتماعی بین ساکنین بر امنیت مجتمع"، بر این نکته تأکید دارد که طراحی مسکن با وجود سادگی ظاهری، بسیار پیچیده و دشوار بوده و امروزه شاهد هستیم نادیده گرفتن مواردی همچون هماهنگی با هویت‌مندی و برآوردن نیازهای روحی و جسمی ساکنان از ارزش و اصالت مسکن کاسته و آن را صرفاً به کالایی برای خرید و فروش تبدیل کرده است. نتایج کلی تحقیق حاکی از آن است که فضاهای عمومی موجود بین مجتمع‌های مسکونی هم باعث تعامل ساکنین با یکدیگر و نیز فضاهایی که باعث افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنین می‌شود در افزایش امنیت شهری مؤثر است [23].

قره‌بگلو و همکاران (۱۳۹۲)؛ در مقاله‌ای با عنوان "ارتقاء تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، مورد پژوهی: سه گونه فضای باز مسکونی در شهر تبریز"، بر این نکته اشاره می‌کنند که با توجه به غلبه استفاده از فضاهای باز جمعی، بجای فضاهای باز خصوصی خانه‌های تک‌خانوار در شهرهای بزرگ ایران، هدف این پژوهش جست‌وجوی چارچوبی منعطف برای تبیین چگونگی تعامل کودک با مکان در محیط‌های مسکونی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی میان مولفه‌های محیطی و مولفه‌های تعاملی در مکان‌های مطلوب دو گونه خطی و پراکنده، الگویی نسبتاً یکسان و در گونه محیطی الگویی متفاوت دارند. این همبستگی در مکان‌های نامطلوب همه گونه‌ها، تابع الگویی یکسان بود. در نتیجه، در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، با برقراری تعادل میان مولفه‌های کالبدی و روانشناختی، تعامل کودکان با محیط زندگی روزمره بهبود یافته و به تبع آن بستر تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی ارتقای می‌یابد [24].

چاخرلو (۱۳۹۳): در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد پایداری اجتماعی، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، شهرستان نقده"، به این نکته اشاره می کند که بدون در نظر گرفتن بعد اجتماعی پایداری، نمی توان به طراحی مناسب مجتمع های مسکونی پایدار دست یافت. این بعد شامل اصولی است که تحقق آنها و دستیابی به اهداف پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی می تواند به واسطه برخی تدابیر برآورده شود. نتایج این تحقیق با استفاده از تحلیل های آماری و آزمون ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن است که آسایش ۲۵ درصد، سرزندگی ۳۷ درصد و امنیت اجتماعی و محیطی ۴۴ درصد، در ارتقاء پایداری اجتماعی در میان ساکنان مجتمع تأثیرگذار می باشد [25].

خیرالعموم و دهقان توران پشته (۱۳۹۴): در مقاله ای با عنوان "تبیین اصول طراحی مجتمع های مسکونی با رویکرد ارتقای تعاملات اجتماعی"، بر این نکته اشاره می کند که طراحی مجموعه های مسکونی امروزی در ایران به دلیل عدم توجه به نیازهای مختلف انسانی و در نظر نگرفتن پیامدهای روان شناختی آن، زندگی فردی و اجتماعی ساکنین را با مشکلات متعددی مواجه ساخته است. از جمله نیازهای فراموش شده انسان ها در این طراحی ها، نیاز به خلوت و تعامل اجتماعی می باشد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که عوامل مختلفی از جمله همگنی اجتماعی ساکنین مجتمع ها و به کارگیری الگوهای موثر طراحی جهت ایجاد شرایط امن، جذاب و راحت برای حضور تمامی اعضای خانواده ها در فضاهای عمومی مختلف مجتمع، اعم از فضاهای باز یا بسته طراحی شده، تأثیر بسزایی در افزایش روابط و تعاملات اجتماعی همسایگان دارد که با بکارگیری این اصول در طراحی مجموعه های مسکونی آینده بتوان در حد امکان از آسیب های اجتماعی مربوطه جلوگیری کرد و مجتمع های مسکونی با کیفیت مطلوب به شهروندان ارائه شود که ساکنین علاوه بر احساس آرامش و رضایت از خانه خصوصی خود، زندگی اجتماعی موفق را نیز در کنار همسایگان شان داشته باشند [26].

• **نمونه داخلی:** تحلیل مجتمع مسکونی زیتون در سایت اصفهان، کوی رزمندگان؛ اصفهان در اقلیمی گرم و خشک نیمه بیابانی قرار دارد. مبحث ایجاد سایه در این اقلیم بسیار مهم است. با الهام از معماری بومی این مناطق، در این مجموعه از حیاط مرکزی استفاده شده است که می توان با ایجاد سایه و کوران به دلیل تبادل حرارتی سایه آفتاب به تعدیل هوا کمک نمود. همچنین از خصوصیات بارزی که می توان اشاره کرد اینکه حس همسایگی و امنیت در مجموعه به نوعی طراحی شده است که کاملاً درون فضا درک می شود که موجب تعاملات اجتماعی و فرهنگی ساکنین می شود [15].

• **نمونه خارجی:** تحلیل مجتمع پلکانی موشه سفدی؛ از برجسته ترین آثار معماری موشه سفدی است. حفظ حریم خصوصی هر واحد مسکونی، استفاده مناسب از دید و منظر رودخانه لارنس، توجه به جهت تابش نور خورشید، اختصاص باغچه و تراس مجزا به هر واحد مسکونی، دسترسی های صریح و ساده، همه و همه سبب شده تا habitat67 مونترال نمونه بسیار موفق از تجربیات پیش ساختگی در دوران معماری مدرن به شمار بیاید. باید اذعان نمود که سفدی در تزریق کیفیات فضایی خانه های ویلایی حومه شهرهای کانادا و استرالیا به این مجتمع مسکونی عظیم و پیش ساخته و تلاش برای ایجاد شخصیت، هویت، همسایگی و امنیت در واحدهای مسکونی بسیار موفق بوده است [17].

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و به لحاظ متدولوژی از نوع مطالعات توصیفی- تحلیلی مبتنی بر یافته های پیمایشی است که در آن پنج گروه مجتمع های مسکونی در شهر گنبد کاووس از طریق روش احتمالی- چند مرحله ای انتخاب گردیده است. بدین صورت که بر اساس نقشه شهری و چیدمان واحدهای مسکونی، محلات این شهر علامت گذاری شده و سپس در مرحله بعدی گروه مساکن از میان محله ها به صورت تصادفی انتخاب شده اند. شیوه تجزیه و تحلیل داده های کمی و کیفی عمدتاً به صورت استقرایی و با توجه به ویژگی های جزئی می باشد و پس از هر مرحله از انجام تحقیق، نتیجه گیری همان مرحله با تأکید بر معنایی که افراد در ذهن دارند، انجام می شود. همچنین بسته به شرایط پروژه از روش ها و آزمون های تحلیل آماری با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS.17 پرداخته و تجزیه و تحلیل شده است. این تحقیق با تبیین ابعاد مختلف اهمیت روابط اجتماعی میان انسان ها، به بررسی نقش فضای باز در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین مجتمع های مسکونی پرداخته و نظرات مالکین واحدهای ساختمانی ساکن در چند مجتمع مسکونی در گنبد کاووس بررسی شده است. گفتنی است در روش کتابخانه ای با استفاده از مطالعات و تحقیقات مرتبط داخلی و خارجی انجام شده در کتب، مقالات، مجلات، پایان نامه ها و سایت های رسمی و معتبر اینترنتی، داده های مورد نیاز گردآوری شده است. اطلاعات جمع آوری شده بر اساس مولفه های موثر در ارتقا مطلوبیت فضای واحدهای مسکونی با رویکرد امنیت اجتماعی ساکنین دسته بندی شده و در نهایت با تحلیل و مقایسه دیدگاه های مهم طرح شده در زمینه مولفه های اجتماعی- امنیتی و نیز مطالعه نیازها و عملکردهای واحدهای مسکونی در جهت دستیابی به اهداف اصلی و فرعی تدوین شده راهکارهای عملی برای طراحی ارائه شده است. در عین حال، مطالعات مقدماتی میدانی نیز به منظور شناخت بیشتر سایت طراحی و بررسی مسایل کالبدی و اجتماعی آن انجام شده است.

ساختار تحقیق: تحقیق حاضر مشتمل بر سه بخش کلی مفهومی، نظری و طراحی می‌باشد. با به کارگیری اصول طراحی به دست آمده از مطالعات انجام شده و به کمک نتایج جدول سنجش وضعیت S.W.O.T (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)، طرح‌های پیشنهادی برای واحد همسایگی ارائه شده است. با کمک جدول سنجش وضعیت S.W.O.T و با استفاده از راهکارهای به دست آمده، در راستای هدف اصلی پژوهش که «ارتقا مطلوبیت واحد همسایگی با تأکید بر مولفه‌های اجتماعی و امنیتی» می‌باشد، طرح‌های پیشنهادی واحد همسایگی با سه رویکرد «اجتماعی»، «امنیتی» و «اجتماعی-امنیتی» ارائه شده است.

پژوهش موردی و راهبردهای ترکیبی: در سال ۱۹۶۱ میلادی "جین جیکو بس"، کتاب کلاسیک خود، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی را نوشت. کتاب جیکو بس تفکر متداول و تعمیم یافته باز زنده سازی شهری مدرن را مورد چالش قرار داد. مطالب او در مورد چگونگی حفظ و رشد سرزندگی شهرها از شرایط زندگی در شهر نیویورک استنتاج شده بود. از آنجا که غنا و عمق بسیاری از مثال‌های زندگی پویای اجتماعی-کالبدی در شهر نیویورک متقاعد کننده بود، زمینه‌های مورد تاکید او در سال‌های بعد در شهرهای دیگر آمریکا نیز مورد مشاهده و ثبت اسنادی قرار گرفت. او در مقدمه کتاب خود منطق نظری راهبرد پژوهش انجام شده را اینگونه شرح می‌دهد: "برای تدوین اصول مختلف، باید مسائل مشترک عمومی و متداول را مورد توجه قرار می‌دادم. به نظر من راه یافت و درک ناشناخته‌هایی که حافظ رفتار شهرها هستند، نگاه دقیق و توجه به متداول‌ترین حس و رویدادها و کوشش در جهت درک معنای آنها و دقت به امکان استخراج اصولی از نهاد آنهاست [18]."

راهبرد: ویژگی‌های عمومی پژوهش موردی: "رابرت ین" نویسنده یکی از کتاب‌های مرجع در زمینه پژوهش موردی، تعریف زیر را از این روش ارائه کرده است: «پژوهش موردی جستجویی تجربی است که پدیده‌ای معاصر را در متن زندگی واقعی مورد بررسی قرار می‌دهد، به ویژه زمانی که مرز میان پدیده و زمینه آن کاملاً واضح نباشد». برای کاربردی کردن بهتر این تعریف در تحقیق معماری، تعریف "رابرت ین" را بدین شکل بیان می‌گردد: «جستجویی تجربی که یک پدیده مکانی معین را مورد تحقیق قرار می‌دهد. با حذف واژه معاصر و افزودن واژه مکان، محیط‌ها و مکان‌های تاریخی و معاصر به عنوان زمینه‌های بالقوه پژوهش موردی در نظر گرفته شده‌اند. در این صورت ویژگی اصلی مطالعه موردی چیست؟ با رعایت اختصار به نظر می‌رسد پنج ویژگی خاص داشته باشد: اول، تمرکز بر مطالعه تک موردی یا چند موردی در متن زندگی واقعی؛ دوم، ظرفیت تشریح پیوندهای علی؛ سوم، اهمیت دادن به بسط نظریه در مرحله طراحی تحقیق؛ چهارم، اتکا به اسناد چند بعدی داده‌ها؛ پنجم، قابلیت تعمیم به نظریه [18].

تمرکز بر موردی خاص در متن زندگی واقعی: جوهر راهبرد پژوهش موردی، تمرکز بر مطالعه یک مکان یا پدیده در متن زندگی واقعی است. بر اساس توضیح "ین"، کاربرد راهبرد پژوهش موردی بیش از مطالعه میدانی ساده است. این راهبرد یک مورد خاص را با تمامی عوامل پیچیده در تعامل با آن مطالعه می‌کند. چنین تعریفی به روشنی در تحقیقات جیکو بس وجود دارد. برای مثال، پژوهش "جیکو بس" درباره سرزندگی شهری در شهر نیویورک با معیارها و پدیده‌های محیطی همچون فرهنگ استفاده از ماشین، سیاست‌گذاری‌های مالی ایالتی و تمایل به نظریه‌های برنامه‌ریزی مرتبط بود [19].

ظرفیت تبیین پیوندهای علی: یکی از بحث‌های رایج در روش‌های تحقیق، بررسی روابط علی است. "ین" بر این باور است که پژوهش موردی علاوه بر اینکه به مانند تحقیق تجربی می‌تواند تبیینی باشد، مقاصد توصیفی یا اکتشافی را نیز پاسخگوست. اینکه پژوهش موردی خاصی تبیینی، توصیفی، اکتشافی یا ترکیبی از اینها باشد، به مقاصد پژوهشگر یا عبارت دقیق‌تر، به سرشت پرسش تحقیق بستگی دارد، نه به محدودیتی که در راهبرد پژوهش موردی ملحوظ است [18].

تعمیم پذیری به نظریه: اگرچه یکی از نقدهای متداول پژوهش موردی مشکل فقدان قاعده‌ای برای تعمیم یک مورد به مورد دیگر است، "ین" این نقد را گویا رد کرده است. او این گونه بحث می‌کند که منشا عملی این نقد فرض اولیه بسیاری از پژوهش‌های همبستگی است که در آن محقق با مطالعه نمونه‌ای جمعیتی بزرگ به نظریه‌ای تعمیم یافته می‌رسد. او معتقد است، قوت پژوهش موردی به ظرفیت تعمیم پذیری آن نظریه است. در بسیاری موارد، یک تک آزمون می‌تواند به نظریه تعمیم یابد و سپس از طریق آزمایش‌های بعدی دوباره آزموده شود [18].

جدول ۱- پژوهش‌های موردی: قوت‌ها و ضعف‌ها؛ فرصت‌ها و تهدیدها با توجه به ابعاد تحقیق حاضر

ضعف‌ها (Weaknesses)	قوت‌ها (Strengths)
۱. امکان پیچیدگی بیش از اندازه	۱. تاکید بر وابستگی پژوهش حاضر به زمینه خود
۲. علیت می‌تواند چند بعدی و پیچیده باشد	۲. ظرفیت تبیین پیوندهای علی
۳. مشکل تلفیق منسجم منابع متنوع داده‌ها	۳. غنی بودن در کاربرد منابع چندگانه
۴. نیاز به بازخواست در موارد مشابه	۴. تعمیم پذیری به دیگر شهرها و محلات شهری
۵. مشکل اجرای دقیق، داشتن قواعد و رویه‌های کمتر از طرح تحقیق‌های دیگر	۵. کامل بودن و متقاعد کننده بودن در صورت انجام صحیح
تهدیدها (Threats)	فرصت‌ها (Opportunities)
۱. خطر افزایش کاربری‌های ناسازگار (تعمیرگاه‌های ماشین) در مجاورت کاربری مسکونی	۱. توجه به اماکن، رویدادها و نشانه‌های عینی و ذهنی یادآور خاطرات جمعی در طراحی ورودی محله
۲. خطر تبدیل محدوده‌های مسکونی و بلااستفاده به مناطق کارگاهی، صنعتی و غیره	۲. توجه به حریص‌ها و نوع روابط ناشی از مفاهیم ذهنی افراد محله در طرح ورودی محله
۳. سلب زندگی شبانه و کاهش امنیت فردی و عمومی در صورت افزایش کاربری‌های ناسازگار	۳. طراحی فضای مناسب پیاده در حوزه فراگیر
۴. استقرار کاربری‌ها با مراجعان برون محله‌ای	۴. در نظر گرفتن توده‌های حجمی بعنوان عامل محصورکننده فضا
۵. رشد سریعتر ساخت‌وساز نسبت به خدمات‌رسانی و بروز برخی مشکلات برای ساکنان این ساختمان‌ها	۵. امکان استقرار ورودی بر نقاط عطف و تعریف شده مرز بین بیرون و درون محلات شهری و واحدها
	۶. ایجاد فعالیت‌های مرتبط با زندگی روزمره شهروندان در خیابان محلی
	۷. افزایش تنوع بصری و اجتماعی برای بهبود کیفیت مکان در مجتمع‌های مسکونی

مأخذ: مطالعات اسنادی و میدانی نگارندگان، ۱۳۹۶؛ [11] و [14] و [20] و [21] و [22].

یافته‌های تحقیق

ابتدا با توجه به داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های استاندارد از مالکان ساکن در مجتمع‌های مسکونی شهر گنبدکاووس بدست آمده جمع‌آوری گردیده است که این داده‌ها جهت آنالیز آماری وارد نرم‌افزارهای Excel و SPSS.17 شده و با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن) مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲- توصیف نمونه آماری بر حسب جنسیت

نمونه آماری	فراوانی	درصد
مرد	۹۸	۶۱/۲
زن	۷۰	۳۸/۸
جمع	۱۶۸	۱۰۰

داده‌های به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که از کل پاسخ دهنده‌گان بالغ بر ۶۱/۲ درصد مالکین واحدهای ساختمانی مجتمع‌ها مرد و ۳۸/۸ درصد از مالکان زنان بوده که در مجتمع‌های مسکونی شهر گنبدکاووس سکنی دارند.

تحلیل استنباطی داده‌ها: در این بخش برای آزمون فرضیه‌های مورد نظر از ضریب همبستگی اسپیرمن ساده استفاده شده است. بدین ترتیب که هر متغیر مستقل با متغیر وابسته در نظر گرفته شده که خروجی آن به شرح زیر می‌باشد:

با توجه به سطح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی اسپیرمن جهت سنجش ارتباط بین آن‌ها استفاده کرد. متغیر مستقل و متغیر وابسته در سطح سنجش رتبه‌ای هستند؛ یعنی اینکه با استفاده از سوالات پنج گزینه‌ای طیف لیکرت و استفاده از مجموع نمرات این متغیرها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید.

• آزمون فرضیه اول: بررسی رابطه بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت؛

H₀: بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت رابطه معناداری وجود ندارد.

H₁: بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت

جدول ضریب همبستگی اسپیرمن		
تراس و پنجره‌های متداوم	امنیت	تراس و پنجره‌های متداوم
	۰/۷۶۳	۱
	*** ۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)
	۱۶۸	کل
امنیت	امنیت	تراس و پنجره‌های متداوم
	۰/۷۶۳	۱
	*** ۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)
	۱۶۸	کل

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

میزان همبستگی فرضیه ۰/۷۶۳ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معناداری در این آزمون برابر ۰/۰۰۰ شده است و به دلیل اینکه $\alpha = 0/01$ (Sig < α) می‌باشد، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که بین مولفه‌ها رابطه وجود دارد. همچنین، برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده می‌شود:

جدول ۴- تحلیل رگرسیون بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت

ضریب R	ضریب تعیین یا R^2	ضریب تعیین اصلاح	انحراف معیار خطای معادله تخمین
۰/۸۰۸	۰/۶۵۲	۰/۶۵۰	۲/۹۲۲

ضریب همبستگی $R = 0/808$ و ضریب $R^2 = 0/652$ شده است و به این معنی است که مولفه‌های تراس و پنجره‌های متداوم می‌تواند حدود ۶۵ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی کند.

جدول ۵- تحلیل واریانس بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت

مولفه	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری (Sig)
رگرسیونی	۲۹۴۹/۴۰۹	۱	۲۹۴۹/۴۰۹	۳۴۵/۲۹۶	*** ۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۵۷۱/۶۷۱	۱۶۷	۸/۵۴۲		
کل	۴۵۲۱/۰۸۱	۱۶۸			

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

با توجه به جدول فوق، مقدار F برابر با ۳۴۵/۲۹۶ گردیده که این مقدار با درجه آزادی ۱ در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار گردیده و این سطح از ۰/۰۱ کمتر می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تراس و پنجره‌های متداوم می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند.

• آزمون فرضیه دوم: بررسی رابطه بین وجود عناصر طبیعی، مانند آب، کاشت درخت و بوته و امنیت؛

H_0 : بین عناصر طبیعی مانند آب، کاشت درخت و بوته و امنیت رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین عناصر طبیعی مانند آب، کاشت درخت و بوته و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی عناصر طبیعی مانند آب و کاشت درخت و بوته و امنیت

جدول ضریب همبستگی اسپیرمن		
عناصر طبیعی	امنیت	عناصر طبیعی
	۰/۵۳۴	۱
	*** ۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)
	۱۶۸	کل
امنیت	امنیت	عناصر طبیعی
	۰/۵۳۴	۱
	*** ۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)
	۱۶۸	کل

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

میزان همبستگی رابطه بین وجود عناصر طبیعی و مولفه امنیت برابر ۰/۵۳۴ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در این آزمون $\text{Sig} = 0/000$ شده است و به دلیل اینکه $\text{Sig} < \alpha$ و $\alpha = 0/01$ می‌باشد؛ فرضیه H_1 تایید می‌شود و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که بین مولفه‌های یاد شده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده می‌شود:

جدول ۷: تحلیل رگرسیون بین عناصر طبیعی مانند آب، کاشت درخت و بوته و امنیت

ضریب R	ضریب تعیین یا R^2	ضریب تعیین اصلاح	انحراف معیار خطای معادله تخمین
۰/۶۷۲	۰/۴۵۲	۰/۴۴۹	۳/۶۶۹

ضریب همبستگی $R=0/672$ و ضریب $R^2=0/452$ شده است و به این معنی است مولفه‌های عناصر طبیعی می‌تواند ۴۵ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی نماید.

جدول ۸: تحلیل واریانس بین عناصر طبیعی مانند آب، کاشت درخت و بوته و امنیت

مولفه	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری (Sig)
رگرسیونی	۲۰۴۲/۹۹۲	۱	۲۰۴۲/۹۹۲	۱۵۱/۶۹۴	** ۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۴۷۸/۰۸۹	۱۶۷	۱۳/۴۶۸		
کل	۴۵۲۱/۰۸۱	۱۶۸			

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

مقدار F برابر با ۱۵۱/۶۹۴ گردیده که این مقدار با درجه آزادی بیان شده، در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار گردیده و این سطح از ۰/۰۱ کمتر می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عناصر طبیعی می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند.

• آزمون فرضیه سوم: بررسی رابطه بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت؛

H₀: بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت رابطه معناداری وجود ندارد.

H₁: بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹: ضریب همبستگی فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت

جدول ضریب همبستگی اسپیرمن			
فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن	فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن	امنیت	
	همبستگی اسپیرمن	۱	۰/۶۱۲
	سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۶ ***	
امنیت	کل	۱۶۸	۱۶۸
	همبستگی اسپیرمن	۰/۶۱۲	۱
	سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۶ ***	
	کل	۱۶۸	۱۶۸

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

میزان همبستگی فرضیه معادل ۰/۶۱۲ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در این آزمون برابر $Sig=0/006$ شده است و به دلیل اینکه $(Sig < \alpha)$ و $\alpha=0/01$ می‌باشد؛ فرضیه H₀ رد و فرضیه H₁ تایید می‌شود که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود بین مولفه‌های فیزیکی - کالبدی یاد شده با متغیر امنیت رابطه وجود دارد. همچنین برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده می‌شود؛

جدول ۱۰: تحلیل رگرسیون بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت

ضریب R	ضریب تعیین یا R^2	ضریب تعیین اصلاح	انحراف معیار خطای معادله تخمین
۰/۶۲۱	۰/۳۸۵	۰/۳۸۲	۳/۸۸۶

ضریب همبستگی $R=0/621$ و ضریب $R^2=0/385$ شده است و به این معنی است که مولفه‌های فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان می‌تواند ۳۸ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی کند.

جدول ۱۱: تحلیل واریانس بین فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت

مولفه	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری (Sig)
رگرسیونی	۱۷۴۱/۷۶۰	۱	۱۷۴۱/۷۶۰	۱۱۵/۳۱۰	** ۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۷۷۹/۳۲۰	۱۶۷	۱۵/۱۰۵		
کل	۴۵۲۱/۰۸۱	۱۶۸			

***: معناداری در سطح ۰/۰۱

مقدار F برابر با ۱۱۵/۳۱۰ گردیده که این مقدار با درجه آزادی ۱ در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار گردیده و این سطح از ۰/۰۱ کمتر می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

طی سالیان گذشته در طراحی مناطق مسکونی، به ویژه در ایران به مسئله امنیت توجه لازم و کافی نشده است. نتیجه این بی‌توجهی بوجود آمدن مناطقی بی‌هویت است که در ساکنین حس مکان ایجاد نکرده و احساس تعلق آنها را نسبت به محله خود بر نمی‌انگیزد [16]. ساکنین این محلات احساس مالکیت به محیط زندگی خود نداشته و کنترل و حفاظت از آن را وظیفه خود نمی‌دانند. فقدان این حس تعلق، موجب کاهش همبستگی اجتماعی و عدم وجود نظارت عمومی، فضاهای شهری را به فضاهای گمشده و طراحی نشده در شهرها، مانند شهر گنبد کاووس تبدیل کرده و به تبع آن زمینه ارتکاب جرایم گوناگون را به وجود آورده است. این تحقیق بر اساس گردآوری داده‌های بدست آمده از طریق پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که از طریق آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل آماری انجام گرفت و فرضیات تحقیق مورد آزمون و تحلیل قرار گرفت که در مجموع نتایج حاصل از این تحقیق به قرار ذیل می‌باشد؛

فرضیه اول: رابطه میان وجود تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین تراس و پنجره‌های متداوم در نمای ساختمان و امنیت رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی اول با ۹۹ درصد اطمینان تایید می‌گردد. به‌طوری‌که، برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج این آزمون حاکی از آن است که متغیر تراس و پنجره‌های متداوم می‌تواند حدود ۶۵ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی کند. همچنین با توجه به آزمون تحلیل واریانس و مقدار F نیز می‌توان نتیجه گرفت که تراس و پنجره‌های متداوم ساختمان می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند.

فرضیه دوم: رابطه میان وجود عناصر طبیعی ساختمان و امنیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده از این آزمون نشان می‌دهد که بین وجود عناصر طبیعی و متغیر امنیت رابطه معناداری وجود دارد که با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌گردد. به‌طوری‌که، برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده شد که نتایج این آزمون نیز حاکی از آن است که متغیر عناصر طبیعی می‌تواند ۴۵ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی نماید. همچنین با توجه به آزمون تحلیل واریانس و مقدار F نیز می‌توان نتیجه گرفت که عناصر طبیعی ساختمان می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند.

فرضیه سوم: رابطه میان فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و امنیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین مولفه‌های فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان و متغیر امنیت رابطه معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که، برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج این آزمون نیز حاکی از آن است که مولفه‌های فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن نمای ساختمان می‌تواند ۳۸ درصد از تغییرات متغیر امنیت را پیش‌بینی کند. در نهایت، با توجه به آزمون تحلیل واریانس و مقدار F می‌توان نتیجه گرفت که مولفه‌های فرم، کالبد، رنگ و قابل فهم بودن می‌تواند امنیت را پیش‌بینی کند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادات کاربردی در طراحی مجتمع‌های مسکونی جهت ارتقاء امنیت اجتماعی ساکنین ارائه نمود که به شرح ذیل است؛

- همه شمول بودن:
 - تجهیز بخش‌هایی از فضاهای عمومی برای بازی کودکان، علاوه بر استفاده بچه‌ها و والدین موجب ایجاد حس سرزندگی برای دیگر استفاده‌کنندگان می‌شود؛
 - استفاده از عوامل طبیعی مثل آب، شن و چوب در فضاهای بازی کودکان، به جای سطوح فلزی و مصنوعی؛
 - در نظر گرفتن فضایی برای جوانان برای پاسخ‌گویی به نیاز آنها برای اجتماعی شدن در مکان‌های عمومی؛
 - فراهم کردن تسهیلات و امکاناتی برای افراد مسن برای زمینه سازی حضور آنها بدون اضطراب ذهنی و فیزیکی؛
 - بر جای گذاردن تجربه‌های به یادماندنی و ارزشمند و ایجاد حس تعلق به فضا؛
 - حفظ عناصر طبیعی و مصنوعی خاطره انگیز همچون درختان قدیمی؛
 - ایجاد و نگهداری عناصر گیاهی در عرصه نیمه خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنان؛
 - ایجاد احساس تعلق به فضا یا طراحی فضاهای خاطره انگیز مانند مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی و یا گذرهایی خاص همراه با تنوع فعالیت‌ها؛
 - مشارکت دادن ساکنان در تصمیم‌گیری‌های واحد همسایگی در جهت افزایش احساس تعلق؛
 - فراهم کردن امکان حضور مردم در فضا و تسهیل فعالیت‌های مختلف؛
 - ایجاد آرامش و خودمانی بودن در عین سرزندگی و حضور پذیری عرصه عمومی؛
 - ساختمان‌های مسکونی کم‌ارتفاع که دارای دسترسی مستقیم به بیرون هستند، میزان استفاده از فضای خارجی را افزایش داده و حضور یافتن در فضا را تسهیل می‌کند؛

- وجود تنوع در کیفیت، نقش و جایگاه سلسله مراتبی فضاهای باز عمومی در ارتباط با یکدیگر؛
- دسترسی آسان به فضاهای باز عمومی در نواحی مسکونی موجب جذب افراد و فعالیت‌ها به این فضاها می‌شود؛
- بهبود فعالیت‌های اجتماعی، به کمک درآمیزی مسیر حرکت پیاده با محیط طبیعی، ادغام آن با پارک محیطی و فضای بازی کودکان و فضاهای شهری در مقیاس محله.
- ابعاد فضا و کنترل دسترسی‌ها:
 - تناسب ابعاد و اندازه عرصه‌های عمومی با زندگی اجتماعی جاری در آن مکان و توان‌های ادراکی و حرکتی انسان؛
 - سرعت وسایل نقلیه در خیابان‌های مجاور واحد همسایگی باید تا حد ممکن پایین باشد؛
 - امکان دسترسی اضطراری خودروهای امداد رسانی و خدمات شهری به داخل هر محدوده در نظر گرفته شود؛
 - پیوستگی مسیرهای پیاده و تأمین حرکت بدون مانع، ایمن و دسترسی آسان برای افراد
- عوامل محیطی:
 - تأمین آسایش افراد از طریق حفاظت در برابر شرایط نامناسب مانند تابش آفتاب یا جریان باد، توجه به خرد اقلیم منطقه و پرهیز از تغییرات ناگهانی شرایط محیطی؛
 - استفاده از فضای سبز برای کنترل باد، زیبایی آفرینی، ایجاد سایه و چشم انداز و تلطیف هوا؛
 - ارتفاع و تراکم پوشش گیاهی نباید مانع نظارت بر عرصه‌های عمومی گردد؛
 - به منظور تأمین حس امنیت، طراحی فضاهای استراحت و تجمع باید به گونه‌ای باشد که از ایجاد گوشه‌های تاریک و دور از دید پرهیز شود و امکان دید از ساختمان‌های اطراف وجود داشته باشد؛
 - ساکنان قادر باشند محیط اطراف خانه‌هایشان را کنترل کنند. این محیط شامل خیابان‌ها و فضاهای باز اطراف ساختمان‌های آنها و همچنین فضاهای داخلی (لابی، راهروها و...) می‌باشد؛
 - نورپردازی مناسب فضاهای باز، پیاده‌روها، پارک‌ها و خیابان‌ها، امنیت را در این فضاها بهبود می‌بخشد.

مراجع

- [1] رضازاده، ر. ۱۳۸۳، "نقش عوامل اجتماعی و سیاسی بر تحول فرم فضای شهری"، ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۷، آذر ۸۳.
- [2] بیات، ب.، شرافتی پور، ج.، و عبدی، ن. ۱۳۸۷، "پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، طراحی و چاپ اداره تبلیغات"، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل مطالعات اجتماعی، تهران.
- [3] رایپورت، آ. ۱۳۹۰، "فرهنگ، معماری و طراحی"، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیا پاشا، انتشارات شلفین، ساری.
- [4] رایپورت، آ. ۱۳۸۸، "انسان شناسی مسکن"، ترجمه خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
- [5] شولتر، ن. ۱۳۸۹، "مسکن، حومه و شهرک"، ترجمه دکتر شهرام پوردیهیمی، انتشارات روزنه، تهران.
- [6] جیسون، س. ۱۳۸۷، "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی"، ترجمه محسن کلانتری، انتشارات آذر کلک، تهران.
- [7] Baker, Corie E. 2005, "Protecting the Neighborhood: Safety through Design, Maryland: The University of Maryland, Thesis Submitted to The Faculty of The Graduate School For The Degree Of Master Of Architecture.
- [8] Atlas, Randall I. 2008, "21st Century Security and CPTED: Designing for Critical Infrastructure Protection and Crime Prevention", Boca Raton FL: Auerbach Publication.
- [9] CABE (Commission for Architecture and the Built Environment). 2005, "The Value of Public Space", London: CABE.
- [10] Carmona, M., Heath, T., Oc, T., and Tiesdell, S. 2003, "Public Places – Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design", Oxford: Architectural Press.
- [11] Barton, H. et al. 2003, "Shaping Neighborhoods: A guide for Health, Sustainability and Vitality", London: Spon press.
- [12] Burton, B. and Mitchell, L. 2006, "Inclusive Urban Design", Oxford: Architectural Press.
- [13] Biddulph, M. 2007, "Introduction to Residential Layout", Oxford: Elsevier Limited.
- [14] Cooper Marcus, C. 2001, "The Neighborhood Approach to Building Community: A Different Perspective on Smart Growth", Western City Magazine, March 2001.
- [15] زنگی آبادی، ع. ۱۳۷۸، "تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی شاخص‌های توسعه شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر ایران"، رساله مقطع دکتری، اساتید راهنما: هوشنگ طالبی، محمود هدایت، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، اصفهان.
- [16] حسینیون، س. ۱۳۸۶، "ایجاد حس مکان در فضاهای شهری"، ماهنامه شهرداریها، شماره ۸۲، شهریور ۸۶.
- [17] طالبی، ژ. ۱۳۷۶، "راهنمای طراحی معماری ساختمان‌های بلند مسکونی"، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- [18] عینی‌فر، ع. ۱۳۷۹، "عوامل انسانی - محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی"، دانشگاه تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸.
- [19] حافظ‌نیا، م. ر. ۱۳۸۲، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، انتشارات سمت، تهران.
- [20] افشار، ع. ۱۳۷۸، "فضا و آسیب‌های اجتماعی آرایه الگوهای طراحی جهت بهسازی فضای پارک‌های شهری"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست، تهران.
- [21] باستانی، س. ۱۳۶۹، "روابط همسایگی آپارتمان نشینان شهر تهران"، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.
- [22] ماندل، ر. ۱۳۷۹، "چهره متغیر امنیت ملی"، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- [23] صمدی‌فرد، ز. ۱۳۹۲، "طراحی مجتمع مسکونی در شهر یاسوج با تاکید بر تاثیر ارتقاء تعامل اجتماعی بین ساکنین بر امنیت مجتمع"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی: خسرو موحد، دانشگاه پیام نور تهران.
- [24] قره‌بگلو، م.، عینی‌فر، ع.، و ایزدی، ع. ۱۳۹۲، "ارتقاء تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی (مورد پژوهی: سه گونه فضای باز مسکونی در شهر تبریز)"، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان ۹۲.
- [25] چاخلو، ح. ۱۳۹۳، "طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، شهرستان نقده)"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی: اسماعیل زرغامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- [26] خیرالعموم، س. ف.، دهقان توران‌پشتی، ع. ۱۳۹۴، "تبیین اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با رویکرد ارتقای تعاملات اجتماعی"، اولین همایش علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران: انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.